

متن پرسش

سلام علیکم و رحمه الله: قبل از طرح سوال می‌خواستم عرض کنم اگر سوال بنده برای شما محلی از اعراب ندارد و اهمیتی قائل نیستید لطفا جواب ندهید چون این جواب برای بنده اهمیت دارد. بنده در ایام کودکی و جوانی واقعا با سیره علما انس داشته ام و همین باعث شده که بخواهم دست به بالاها برسانم و توحید را لمس کنم و برای این مقصود کم یا زیاد تلاش کرده ام چه کتب عرفانی و اخلاقی چه محتوایی نو مانند دروس آقای صمدی آملی یا مطالب علامه حسن زاده و علامه جوادی آملی دروس آقای وکیلی کتب امام راحل و رهبری کتب علامه طهرانی جلسات آقای واسطی و آقای نخاوی و کسب علوم حوزوی در حوزه و تلاش هایی از این دست و جدای از اینها چله های بسیاری داشته ام و به قول رساله سید بحرالعلوم چله در چله گرفته ام از دعاهایی مانند جامعه، توسل، عاشورا و... قرائت قرآن تعداد بالای قرائت سوری مثل توحید و قدر و... ولی الان واقعا حس تهی بودن می‌کنم و مقرر به این هستم که این بساط موجودی که برای خودم ساخته ام فقط یک دلخوشی ساده است و ظاهری خالی از باطن که درگیری در گناه واقعا کلافه ام کرده و واقعا گاهی آرزوی مرگ می‌کنم که مرگ بهتر از این زندگی ننگین است و واقعا نمیدانم چه کنم این را هم عرض کنم که بسیار حرف شنیده ام و دست به کارهای زیادی زده ام ولی راهگشا نبوده چیزی از شما می‌خواهم که اولاً از کتابت گناه رها شده و به سمت توحید حرکت کنم باور کنید می‌خواهم ولی نمی‌توانم. قبلاً حس بهتری داشتم مدتهایی می‌شود که حال بهتر است و زیارت و نماز دلچسب می‌شود ولی هرچه بالاتر می‌رود کمتر می‌شود و بیشتر درگیر این دنیا می‌شوم انگار نه انگار که نام مبارک نوکر حضرت صاحب به روی من است. اصلاً ارتباط دلی خوبی با اهل بیت علیهم السلام ندارم یعنی صرفاً ظاهری است اگرچه که محبت آنها علیهم السلام واقعا در وجود بنده است ولی ارتباط نمی‌توانم برقرار کنم. گویا اهل بیت از من روی گردانده اند آنجایی هم که وهم دلی می‌رود می‌بینم خالی از عمق و باطن است. حرفهای علما را که می‌شنوم منجر می‌شود شاید بپرسید چرا نه اینکه آنها را نخواهم بلکه از عمق قلب علم و عالم را دوست دارم ولی از اینکه متداولاً می‌شنوم ولی تغییر نمی‌کنم، می‌شنوم ولی تکانی نمی‌خورم منجر می‌شود. مدتی به توصیه ی یکی از اساتید کتاب مقالات را می‌خواندم ولی باز هم پر بود از اصطلاح و توضیح های کلی طلبگی که هرکسی بلد است ولی... نمی‌دانم چه باید بکنم؟ شاید اگر مبسوطاً خدمت حضرتعالی عرض کنم بفرمایید که خیلی مشکل نیست و الکی بزرگش کرده ای ولی حقیقتاً برای من خیلی بزرگ می‌آید. «کبر مقتا عند الله ان تقولوا مالا تفعلون» واقعا قرآن می‌خوانم ولی فقط الفاظ برای من جلوه می‌کند گویا اصلاً جماد هستم و تاثیر هیچ موثری را نمی‌پذیرم، خیلی خیلی نیازمند دعای همه مومنین

هستم ولی در کنار آن به یک سره مستدام و مستقیم نیازمند هستیم و از شما راهنمایی می‌خواستم. باور کنید «من احیایها فکانما احیا الناس جمیعا» لذا منت بگذارید و پاسخ دهید که ای که دستت می‌رسد کاری بکن. التماس دعا یا حق

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: اتفاقاً حرف بنده آن است که آری! به نور شهدا از این ظلمات و از این دریای طوفانی می‌توان عبور کرد و إن شاء الله با تجربه‌ای که برای عبور از این ظلمات به دست می‌آورید با افقی بیشتر و اشاراتی بس کارساز در صحنه حاضر و به فعالیت می‌پردازید. در موضوع حضور تاریخی نسبت به انقلاب اسلامی بیشتر فکر کنید. موفق باشید